

اصل «43» قانون اساسی به وسیله این لایحه نقض می‌شود و با بسیاری از مقوله‌نامه‌های بین‌المللی مغایر است، حقوق کار کودک نادیده گرفته می‌شود و جنبه‌های حمایتی از کارگران را حذف می‌کند.

بررسی لایحه اصلاح قانون کار؛



در حالی که تقریباً چهار ماه به پایان دولت یازدهم باقی مانده است، نگرانی‌ها درباره اصلاح مواد حمایتی قانون کار همچنان ادامه دارد؛ لایحه‌ای که با وجود انتقادات فراوان فعالان جامعه کارگری، همچنان از دستور کار دولت روحانی خارج نشده و فقط برای مدتی به حالت تعلیق درآمده است.

به گزارش اسپادانا خبر، از سال 91 که لایحه اصلاح مواد قانون کار به مجلس ارائه شد تا به امروز، نقدها و نظرات بسیاری درباره شیوه اصلاح و تغییر مواد حمایتی آن مطرح شده که عمدتاً ناظر بر یکطرفه بودن موارد اصلاحی به نفع کارفرمایان و خطر تهدید هر چه بیشتر امنیت شغلی کارگران در بازار کار است. منتقدان این اصلاحیه معتقد هستند در شرایطی که قانون کار فعلی نیز به‌طور کامل اجرا نمی‌شود، تغییر در مواد حمایتی این قانون موجب بازتر شدن دست کارفرما برای اخراج کارگران و تضعیف حقوق آنها می‌شود.

در همین راستا، خانه اندیشمندان علوم انسانی، در ادامه سلسله نشست‌های خود، روز یکشنبه، 17 بهمن، به موضوع «بررسی لایحه اصلاح قانون کار از منظر حقوق عمومی و اقتصاد سیاسی» پرداخت؛ موضوعی که این روزها فعالان جامعه کارگری را در مقابل عزم دولت و دستگاه قانون‌گذاری را برای تغییر مواد حمایتی قانون کار بسیج کرده است. این نشست، با حضور دکتر محمد مالجو، اقتصاددان و مدرس دانشگاه؛ حسین اکبری، فعال کارگری؛ دکتر مهدی هداوند، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و حسین قبادی، پژوهشگر حقوق و جمعی از علاقه‌مندان به این حوزه برگزار شد.

در این نشست، سخنرانان در دو پنل به بررسی روند تدوین لایحه از منظر حقوقی و خطر از بین رفتن امنیت شغلی کارگران در نتیجه تصویب آن پرداختند. در پنل نخست، حسین قبادی، پژوهشگر حقوق کار، به بررسی روند تدوین این لایحه پرداخت و گفت: «شروع تدوین این لایحه پس از سال 69 که قانون کار به تصویب رسید، با توجه به معایب موجود در این قانون انجام شد که یک گام رو به جلو محسوب می‌شد. با این حال، لایحه مذکور، سرانجام در سال 91 تقدیم مجلس شد ولی هنوز خبری از تصویب آن نیست.» این پژوهشگر، لایحه اصلاحی قانون کار را از منظر متناسب بودن، نسبی ارزیابی کرد و هر دو گروه کارگری و کارفرمایی را موضوع این لایحه دانست.

ایده دادگاه کار «قدمی رو به جلو» است!

حسین قبادی معتقد است: به‌طور کلی لایحه اصلاحی سه مسئله را مورد توجه قرار داده است؛ اول اینکه، سعی شده امنیت شغلی کارگران، نسبتاً حفظ شود. او گفت: مثلاً در این لایحه پیش‌بینی شده در صورتی که کارگر به بیش از سه ماه حبس محکوم شود، قرارداد می‌تواند از سوی کارفرما لغو شود. یا مثلاً درباره زنان، اگر باردار شوند، امنیت شغلی‌شان حفظ می‌شود. جنبه دوم این لایحه، توجه به بحث اقتصادی و انعطاف‌پذیری است، به‌ویژه در اصلاح ماده «27» زیرا ماده «27» فعلی یک حق و تو به کارگر می‌دهد که کارفرما دستش بسته است ولی در لایحه جدید، این امر بر عهده کمیته انضباطی کارگاه بوده که نقش مشورتی به کارفرما می‌دهد. گفتنی است؛ در اینجا، جایگاه قانونی هم به کمیته انضباطی داده شده است. سومین موردی که به گفته او در این لایحه به آن توجه شده، تشکیل دادگاه کار برای رسیدگی به اختلافات میان کارگر و کارفرماست.

او این مسئله را یک قدم رو به جلو دانست و گفت: به طور مثال، چنانچه کارگر از کار اخراج شود، می‌تواند در مدت 15 روز در این دادگاه علیه کارفرما شکایت کند. او در پایان سخنرانی خود این نکته را مطرح کرد: «متأسفانه، لایحه مذکور در بحث قراردادهای موقت، اقدام مناسبی انجام نداده و به نظر می‌رسد یکی از ایرادات مهم این لایحه، توجه نکردن به موضوع قراردادهای موقت است.»

امنیت شغلی کارگران از بین می‌رود

در ادامه این نشست، دکتر محمد مالجو، اقتصاددان، در واکنش به صحبت‌های حسین قبادی گفت: «من تردید دارم این لایحه‌ای که آقای قبادی از آن صحبت کرد، همانی است که من خوانده‌ام زیرا لایحه‌ای که خوانده‌ام، به صراحت، امنیت شغلی پیشاپیش از بین رفته کارگر را زایل‌تر می‌کند.» مالجو گفت: «این لایحه، وظایفی را که در ماده «7» بر عهده دولت بود، از دوش آن برداشت، همچنین در تبصره «2» همین ماده، موجباتی را فراهم کرد که قراردادهای موقت کار تبدیل به یک امر قانونی شوند. همچنین، نیروهای کار بیش از آنچه الان از حقوق خود محروم هستند، محروم‌تر خواهند شد.»

این اقتصاددان، با بیان اینکه محور دوم مطرح‌شده از سوی قبادی، جنبه انعطاف‌پذیری لایحه را متذکر شد، گفت: «من کاملاً با آقای قبادی موافق هستم، از این نظر که این لایحه انعطاف‌پذیری زیادی دارد ولی مسئله اینجاست که انعطاف‌پذیری آن به سود کارفرما بوده، نه کارگر. این لایحه، سهولت اخراج کارگر را بسیار قوت بخشیده و به این معنا بازار کار، انعطاف‌پذیر شده است به این صورت که هر جا نیروی کار برای کارفرما سودآوری نداشته باشد، می‌تواند به راحتی از سوی او اخراج شود.»

مالجو در ادامه به اصلاحیه ماده «27» اشاره کرد و گفت: «در لایحه مذکور، یکی از تبصره‌های ماده «27» حذف شده که در این صورت، کارفرمایان در مقام کار، مقام کدخدایی پیدا می‌کنند و به بهانه‌های مختلف مانند کسادی کار و ... می‌توانند نیروی کاری را که قرارداد موقت دارد، اخراج کنند.» این استاد دانشگاه، در ارتباط با بخش سومی که قبادی از آن به عنوان مزیت لایحه نام برد نیز گفت: «درباره محور سوم نیز باید گفت در فرایند این دادگاه اتفاقی که می‌افتد، عملاً به سود کارفرماست. بنابه نظر من، از رهگذر اعتباردادن به صلاحدید کارفرما، تشخیص اینکه باید اخراج صورت گیرد یا نه، بر عهده این گروه گذاشته شده و این لایحه، امنیت شغلی کارگر را به کلی از بین می‌برد، در صورتی که فاکتور امنیت شغلی در نگاه برخی مسئولان به صورتی دیگر نمایش داده می‌شود.»

مالجو در پایان پنل اول صحبت‌های خود، ایرادات لایحه مذکور را به این شرح برشمرد: «نیروهای کار، امروزه با شدت بیشتری، یعنی 60 درصد جمعیت کشوری، دچار بحران اختلال در بازتولید خواهند شد و عملاً نمی‌توانند شرایط مناسبی را برای خانواده‌های خود بازتولید کنند. مسئله دوم این است که لایحه اصلاحی، زمانی این فشار را تقویت می‌کند که بیش از هر دوره دیگری با معضل شرایط نامناسب اقتصادی روبه‌رو هستیم؛ البته باید متذکر شد لایحه مذکور، با نیت سوء به دنبال به خطر انداختن امنیت شغلی کارگر نیست بلکه هدف این بوده که با به کارگیری برخی مؤلفه‌های خاص، سهم‌بری نیروی کار از سهم‌بری تولید و توزیع کاهش یابد تا به این طریق، نرخ سود فعالیت اقتصادی برای بخش خصوصی و دولتی افزایش یابد و تصور این است که با افزایش سود این بخش‌ها، برخی از مشکلات اقتصادی حل خواهد شد که به نظر بنده، ایران هیچگاه با این روش نمی‌تواند مشکلات اقتصادی خود را حل کند.»

محمد مالجو گفت: برخی موانع، عملاً نمی‌گذارند در ایران سرمایه‌گذاری به معنای دقیق کلمه صورت گیرد و دولت‌ها نیز به سمت رفع این موانع نمی‌روند زیرا در این صورت، قدرت سیاسی خود را از دست خواهند داد و از آنجایی که نیروی کارگری، هیچ سازمان منسجمی برای مقابله با برخی سیاست‌ها ندارد، فشارها عمدتاً بر این قشر صورت می‌گیرد تا اینکه بخواهند مقابل عوامل ایجاد کننده فشار مقابله کنند.

یک لایحه ضد کارگری

حسین اکبری، فعال کارگری به عنوان نماینده طبقه کارگر، سخنران بعدی نشست بود. اکبری در بخش نخست صحبت‌های خود به منابعی که قانون کار از آنها سرچشمه گرفته، اشاره و این منابع را در چند دسته تقسیم‌بندی کرد: «نخست، مقررات بین‌المللی‌ای که از سوی سازمان جهانی (تأسیس 1919) در رابطه با مقررات کار، مواردی را تصویب کرده باید اجرا شوند و این مقررات عموماً به سود کارگر است زیرا اساس قانون کار، جنبه حمایت از این قشر دارد. دومین منبع، قانون اساسی است که به جد مهم‌ترین اصول باید از آن استخراج شود؛ مثلاً مکزیک، بخش اعظمی از مواد قانون کار خود را از قانون اساسی خود استخراج کرده است. ما هم در فصل سوم قانون اساسی به طور عمده در اصول «43» به بعد، مباحثی داریم که قانون کار باید براساس آنها تنظیم می‌شود که بخشی تنظیم شده و قسمت عظیمی در نظر گرفته نشده است. منبع سوم نیز عرف بوده که از آغاز روابط و مناسبات کار وجود داشته است.»

این فعال کارگری در ادامه به انتقاد از دفاعیات قبادی از لایحه اصلاح قانون کار پرداخت و در این باره گفت: «این لایحه برخلاف چیزی که قبادی گفت، به اعتقاد من، یک لایحه ضد کارگری است که تمام آنچه را تاکنون پس از تصویب قانون کار از سال 69 نتوانسته‌اند در آیین‌نامه و دستورالعمل از این قانون حذف کنند، مأموریتش را به این لایحه سپرده‌اند.»

او ویژگی‌های منفی لایحه مذکور را در چند قسمت عنوان کرد: «اساساً این لایحه با قانون اساسی متضاد است. به طور مشخص، اصل «43» قانون اساسی به وسیله این لایحه نقض می‌شود و با بسیاری از مقوله‌نامه‌های بین‌المللی مغایر است، حقوق کار کودک نادیده گرفته می‌شود و در موارد بسیاری که قانون کار فعلی، جنبه حمایتی از کارگر داشته، حذف می‌کند. مسئله بعدی این است که قانون باید جامع باشد و این لایحه این ویژگی را ندارد که این مشکل بزرگی محسوب می‌شود. همچنین باید متذکر شد که لایحه مذکور، اراده جمعی کارگران را سه تکه کرده و انسجام را از آنها گرفته است.» این فعال کارگری، همچنین به این موضوع هم اشاره کرد که در آینده، کارگران هیچ نقشی در تعیین سرنوشت خود نخواهند داشت. به گفته او، در نتیجه

تصویب این لایحه، امنیت شغلی کارگر به کلی از بین می‌رود و معیشت کارگران به خطر می‌افتد.

یک اهرم ضدکارگران

در ادامه این نشست، دکتر مهدی هداوند، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران به عنوان آخرین سخنران از منظر حقوق عمومی به لایحه اصلاحیه قانون کار پرداخت. او معتقد است جریان افول حقوق کارگری در ایران، دقیقاً پس از تصویب قانون کار در سال 69 زده شد زیرا این قانون حمایت از کارگر را یکی از موانع تولید می‌داند و متأسفانه این مسئله در تمامی دولت‌ها وجود داشته است.

هداوند با ابراز تأسف از اینکه دولت فعلی بدون هیچ تغییری لایحه تدوین شده در دولت پیشین را به مجلس تحویل داده است، گفت: «این جریان عملاً حقوق کارگری در ایران را مضمحل خواهد کرد و این مسئله تا اندازه‌ای در دنیا نیز وجود دارد. در واقع، نفوذ بخش خصوصی و ارتباط نزدیک اینها با دولت منجر به نوشتن این لایحه شده که عملاً به ضرر کارگران است. این لایحه، امنیت شغلی را که از قبل نیز وجود نداشته، به شرایط بدتری تبدیل کرده است.»

به باور این استاد دانشگاه، تنظیم روابط کار در چند مرحله صورت گرفته، مرحله نخست، دوران پیشا حقوقی بوده که به عنوان دوران سلطه کارفرمایان معروف است. دور دوم این قانون در چارچوب قراردادهای مدنی تنظیم شده است؛ به طور مثال، در این لایحه، ردپای فسخ آن قدر جدی بوده که تبدیل به ردپای اخراج می‌شود و این مسئله در قراردادهای مدنی وجود دارد، در واقع، این لایحه به معنی عقبگرد به نظام‌های پیشا حقوقی است که منجر به تحقیر کرامت کارگر می‌شود. مهدی هداوند در این زمینه گفت: «برخی از مواد موجود در لایحه مذکور، مانند حذف تبصره ماده «7» عملاً منجر به حل نشدن قراردادهای موقت می‌شود یا مثلاً در وضعیت حبس در قانون مذکور، این امکان فراهم شده که کارفرما می‌تواند بعد از سه ماه، کارگر را حذف کند، منطقیست به آن معنی است که به محض اینکه کارگر به حبس محکوم شود، کارش را از دست خواهد داد یا مثلاً در بند «ت» ماده «21» امکان فسخ پیش‌بینی شده که این از سوی کارفرما صورت می‌گیرد و همچنین در اصلاحیه ماده «22» سازمان تأمین اجتماعی حذف شده و عنوان صندوق ذی‌ربط آمده که این مسئله عملاً منجر به بی‌پشتیبان ماندن کارگران می‌شود.» هداوند بر این باور است که روش‌های تعیین دستمزد موجود در این لایحه عمدتاً به ضرر کارگران بوده زیرا «عنوان شرایط اقتصادی کشور» به سود کارفرماست و می‌تواند به عنوان یک اهرم ضد کارگران استفاده شود. همچنین در پیش‌نویس ارائه شده، نمایندگان دولت به 6 عضو افزایش یافته‌اند در حالی که کارگر به سه عضو کاهش یافته و عملاً این مسئله، ناعدالتی در حق کارگر است.

دفاع مجدد قبادی از لایحه و پاسخ مالجو

در پنل دوم، حسین قبادی درباره امنیت شغلی کارگر گفت: «به نظر من، امنیت شغلی در این لایحه، تغییری نکرده و شرایط وخیم‌تر نشده زیرا استناد دوستان به تبصره «یک» ماده «7» اشتباه است. این تبصره می‌گوید مجری باید آیین‌نامه را درباره کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارند، مشخص کند. در واقع، این تبصره، امری نشدنی را بیان می‌کند و امنیت شغلی کارگر در مقایسه با قانون کار تغییری نکرده است.» قبادی در ادامه به دفاع از طرح تشکیل دادگاه کار پرداخت و در این باره گفت: «درباره دادگاه کار، نظارت قضایی برداشته نشده است. دیوان عدالت اداری الان مرجع مناسبی برای شکایت کارگر از کارفرما نیست زیرا این مراجع کلی هستند ولی دادگاه کار از مراجع قضای اختصاصی غیردادگستری محسوب می‌شود که سریع‌تر می‌تواند دعوای میان کارگر و کارفرما را حل و فصل کند. همچنین پیش‌بینی شده است که قضات این دادگاه‌ها باید با حقوق کار آشنا باشند و دوره‌هایی را در این باره ببینند.» دکتر محمد مالجو در ادامه به انتقاد از بحث امنیت شغلی در این لایحه پرداخت و در این باره گفت: «امنیت شغلی تا اواخر دهه 70، غیرقانونی و بعد از آن، شبه‌قانونی شد. تبدیل امر غیرقانونی امنیت شغلی به یک امر قانونی در لایحه مذکور به معنای تشدید ناامنی شغلی کارگر است.»

مالجو در پایان بیان کرد: «فصل ششم این اصلاحیه، اجازه تشکیل سندیکاهای مستقل را به کارگر نمی‌دهد و عملاً این مسئله، نادیده گرفتن حق کارگر محسوب می‌شود.» در نظر مالجو، این لایحه نه تنها غیرقابل اصلاح است بلکه باید به کلی به سطل آشغال ریخته و از نو نوشته شود.

منبع/ روزنامه وقایع اتفاقیه

برچسب‌ها: [حقوق کارگران](#) [1]  
[فعالان کارگری](#) [2]